

اصول حاکم بر ارتباطات میان فرهنگی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵

حسن یوسف‌زاده^۱

چکیده

مهم‌ترین ویژگی عصر حاضر، پررنگ‌شدن ارتباطات میان‌فرهنگی در کنار ارتباطات درون‌فرهنگی و فرافرهنگی است. رشد و گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباطی، زمینه‌های فشرده‌گی ارتباطات و کمرنگ‌شدن مرزهای جغرافیایی را فراهم و مردمان اقصی نقاط جهان را به‌گونه‌ای به هم نزدیک کرده است که ارتباط با افراد متعلق به فرهنگ‌های مختلف گریزناپذیر شده است. همین امر، مسائل فراوانی را به‌دنبال داشته است؛ اینکه آیا ارتباط با افرادی که از نظر فرهنگی ممکن است تفاوت‌های جدی با ما (مسلمانان) داشته باشند، نیازمند رعایت چارچوب‌های هنجاری خاص است؟ پژوهش با هدف دستیابی به مسئله مذکور و با روش توصیفی-تحلیلی، اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که رعایت دست‌کم ۴ اصل شامل دعوت، عدالت، حفظ استقلال و عزتمندی و تمسک به مشترکات در ارتباطات میان‌فرهنگی توصیه می‌شود. واژه‌های کلیدی: ارتباطات میان‌فرهنگی، اسلام، استقلال، تقیه مداراتی، خامنه‌ای، دعوت، مشترکات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

ارتباطات میان‌فرهنگی سابقه‌ای بسیار دیرینه دارد و حتی می‌توان گفت در طول تاریخ بشر همواره به شکلی وجود داشته است؛ با این ویژگی که در گذر زمان بر شدت و گسترش آن افزوده شده و در چند دهه اخیر به اوج خود رسیده است. امروزه درحالی که جمعیت جهان به مرز هشت میلیارد نفر نزدیک می‌شود، اختراعات و توسعه فناوری‌های ارتباطی مردم سراسر جهان را بیش‌ازپیش به هم نزدیک‌تر کرده و ارتباطات میان آن‌ها را ناگزیر ساخته است. در واقع تحولات فناورانه و سیاسی-اجتماعی جهان را به کره‌ای کوچک برای سکونت مبدل ساخته است؛ امکانی که رسانه‌های جمعی برای انتقال رویدادهای خبری از اقصی نقاط دنیا به منازل، بازار و مدارس فراهم ساختند، به‌طور شگفت‌انگیزی فاصله میان مردمان متعلق به فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون را کاهش داد. در حال حاضر سیستم‌های مخابراتی، جهان را از طریق ماهواره‌ها و فیبرها به هم متصل می‌کند. جت‌های باکیفیت مردم را با سرعتی بیش از سرعت صوت از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌کنند. دشمنان دیرین امروز با هم همسایه شده‌اند. مهاجرت‌های انبوه اختلاط اقوام، نژادها و ملیت‌ها و پیروان ادیان مختلف را ناگزیر ساخته است. گردشگری رشد کرده است. دانشجویان به قصد تحصیل مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردند و حتی ازدواج‌های میان‌فرهنگی به پدیده‌ای شایع تبدیل شده است.

اما از آنجا که ارتباطات میان‌فرهنگی دارای ابعاد فلسفی، کلامی، اخلاقی و فقهی است، بررسی اندیشه‌های فقهای بزرگ اسلامی را ضروری می‌کند. بدین ترتیب با مسئله‌ای مواجه می‌شویم مبنی بر اینکه شخصیت‌ها و متفکران معاصر جهان اسلام به‌ویژه فقها، با توجه به هم‌عصر بودن با شرایط و تحولات پدیدآمده در حیات جمعی بشر، چه نگاهی به ارتباط میان‌فرهنگی دارند. طبیعی است که عدم امکان بررسی اندیشه‌های همه متفکران عصر حاضر در ابعاد چهارگانه (کلامی، اخلاقی، فقهی و حتی سیره عملی)، ضرورت محدودشدن پژوهش را به تعداد قابل‌بررسی به‌دنبال دارد و اگر چنین است چه معیاری برای انتخاب متفکران موردبررسی وجود دارد؟ فارغ از همه معیارهای ممکن، معاصرت و گستره تأثیرگذاری، دو معیاری است که در این تحقیق می‌تواند راهگشا باشد. طبق این معیارها، بررسی دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی در اولویت قرار می‌گیرد.

هدف و پرسش تحقیق

هدف از ارائه این پژوهش، بررسی ظرفیت‌های اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به‌منظور دستیابی به چارچوبی است که در ارتباطات میان‌فرهنگی می‌تواند به‌مثابه راهنمای عمل به‌ویژه برای کارگزاران جوامع اسلامی و دانشجویان در خارج کشور قرار گیرد. ارتباط مسلمانان، به‌ویژه شیعیان با غیرمسلمانان یکی از دغدغه‌های مهم ایشان است که علاوه بر بیانات متعدد، در نامه‌های ایشان به جوانان غرب مورداهتمام بوده است؛ بنابراین می‌توان پرسشی اساسی مطرح کرد مبنی بر اینکه اصول حاکم بر ارتباطات میان‌فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌ها در موضوع ارتباط میان‌فرهنگی در مغرب زمین و به زبان‌های غیرفارسی فراوان است، اما در زبان فارسی، به‌ویژه از منظر هنجارشناختی، آثار معدودی به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به «جهانگردی: ارتباطی میان‌فرهنگی» به قلم محمدهادی همایون (۱۳۸۴)، «درآمدی بر نظریه ارتباط میان‌فرهنگی» نوشته علی سلیمی (۱۳۸۵) و «ارتباطات در جامعه اسلامی متکثر فرهنگی» نوشته ناصر باهنر (۱۳۸۷) اشاره کرد. درخصوص بررسی اندیشه‌های اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای آثار فراوان و ارزشمندی منتشر شده است، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد پژوهش مشابهی با مطالعه حاضر وجود ندارد. این مطالعه با استفاده از ادبیات ارتباطات میان‌فرهنگی، نگاهی ویژه به اندیشه‌های اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی دارد.

چارچوب مفهومی (تعریف مفاهیم)

عنوان مقاله شامل دو مفهوم اصلی، یعنی «اصل» و «ارتباطات میان‌فرهنگی» است که در اینجا تعریفی اجمالی از هرکدام ارائه می‌شود.

۱. اصل

اصل هر چیز پایه و قاعده آن است (راغب، مفردات، ذیل واژه). مرور اجمالی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و مقوله‌بندی گزاره‌های زیرساختی مرتبط با ساحت ارتباطات میان‌فرهنگی مجموعه‌ای از ویژگی‌های کلی را در اختیار ما قرار می‌دهد که می‌تواند به‌مثابه چارچوبی برای

ارتباطات هنجاری در عرصه میان‌فرهنگی استفاده شوند. این ویژگی‌ها تمایز اساسی ارتباطات اسلامی را در این عرصه نشان می‌دهد. در پژوهش از این ویژگی‌های کلی با عنوان «اصول» تعبیر شده است. از بررسی اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای به چند اصل می‌توان دست یافت که به اجمال عبارت‌اند از: اصل دعوت، اصل عدالت‌مداری، اصل عزتمندی و استقلال، اصل تمسک به مشترکات و اصل تقیه مداراتی که هر کدام جایگاه، شرایط و اقتضانات خود را دارد.

۲. ارتباطات میان‌فرهنگی

قرارگرفتن در وضعیت‌های ناآشنا و بی‌نتیجه‌بودن تلاش‌های ما برای ارتباط با دیگران که عمدتاً با بی‌اعتنایی آن‌ها همراه می‌شود و نیز ناکامی در فهم معانی ارتباطات آن‌ها ممکن است سبب شود تا احساس ناخوشایندی به ما دست دهد و در این شرایط احتمالاً دیگران را به بی‌فرهنگ‌بودن یا بی‌احساس‌بودن و بی‌نزاکتی متهم می‌سازیم؛ غافل از اینکه چنین رفتاری با غریبه‌ها برای آنان کاملاً طبیعی است و برعکس، تلاش ما برای ارتباط‌گیری و صمیمی‌شدن را غیرطبیعی قلمداد می‌کنند. این شرایط که با «فضای چندفرهنگی» هم از آن تعبیر می‌شود، در قلمروی مطالعات میان‌فرهنگی قرار دارد. ارتباط میان‌فرهنگی دقیقاً ناظر به شرایطی است که به دلیل احساس فاصله و بیگانگی، تفاهم و درک متقابل به یک مسئله جدی تبدیل می‌شود و در شکل حاد آن، فرد را دچار استرس و سردرگمی می‌کند. این مسئله به قدری اهمیت دارد که ممکن است فرد را برای همیشه از حضور در شرایط ابهام‌آلود و از نظر فرهنگی پیچیده باز بدارد (یوسف‌زاده، ۱۳۹۷)؛ به همین دلیل جیمز چمبرلین در مقدمه کتاب دریک اوتلی به این نکته اذعان می‌کند که «سازگاری در محیط‌های بیگانه و کنارآمدن با بیگانگان در یک کشور بیگانه، یکی از مسائل اساسی بشر در عصر حاضر است» (اوتلی، ۲۰۰۴: ۷). در حقیقت نگاه‌های ما به جهان و انسان (فرهنگ ما) نحوه ارتباط ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و برای فهم معنای رفتار دیگران همواره ناگزیر از رمزگشایی هستیم. «وقتی پیام‌ها در سراسر مرزهای فرهنگی انتقال می‌یابند، در بافتی رمزگذاری و در بافتی دیگر رمزخوانی می‌شوند، ارتباطات میان‌فرهنگی برقرار می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۳۹). درواقع، «ارتباطات میان‌فرهنگی زمانی روی می‌دهد که تولیدکننده پیام عضو یک فرهنگ و دریافت‌کننده آن عضوی از یک فرهنگ دیگر باشد» (سموار

و پرتو، ۱۹۸۸: ۱۵) و درنهایت، تینگ تومی ارتباطات میان‌فرهنگی را به‌عنوان «فرایند مبادله نمادین که از طریق آن افرادی از اجتماعات فرهنگی گوناگون در وضعیتی تعاملی بر سر معانی مشترک مذاکره می‌کنند» تعریف کرده است (Toomey, 1999: 16).

روش تحقیق

پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است. داده‌های تحقیق عمدتاً از آثار مربوط به آیت‌الله خامنه‌ای و سخنرانی‌های ایشان به‌دست آمده است. برای گردآوری داده‌های این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل متن و تفسیر و تحلیل داده‌ها از روش کیفی استفاده شده است. به این معنا که ابتدا مطالب مربوطه به‌صورت فیش گردآوری شده و با خوانش مجدد، داده‌ها در چند مرحله طبقه‌بندی و بازطبقه‌بندی شده و درنهایت، چارچوب‌های به‌دست‌آمده، در قالب اصول حاکم ارائه شده است. با این توضیح که اصول ارائه‌شده، از سویی ناظر به جنبه هنجارشناختی ارتباطات میان‌فرهنگی و از سوی دیگر ناظر به مسائل موجود در دیدگاه‌های میان‌فرهنگی متداول است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در پاسخ به این پرسش اساسی ساماندهی می‌شود که اصول حاکم بر ارتباطات میان‌فرهنگی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای کدام است. با استناد به آرا و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان دست‌کم ۵ اصل را در عرصه ارتباطات میان‌فرهنگی به شرح ذیل برشمرد که البته ترتیب چپ‌نش آن‌ها خالی از تسامح نیست.

۱. اصل دعوت

اصل اولیه در ارتباطات میان‌فرهنگی دعوت است. این اصل روح همه ارتباطات مسلمانان در همه ساحت‌های اجتماعی است که آیه ۱۲۵ سوره نحل استفاده می‌شود. متعلق دعوت راه پروردگار (سبیل ربک) است. همچنان که دعوت به اسلام، دعوت به خدای یگانه است، دعوت به راه و رسم واقعی حضرت مسیح و موسای کلیم نیز دعوت به توحید و سعادت‌مندی است. تلاش در این زمینه، وظیفه ایمانی و انسانی هر مسلمان است. «اهداف انسانی و والای خودمان

را که از اسلام گرفته‌ایم، در معرض نگاه و دید همه بشریت بگذاریم و بشریت را دعوت کنیم به آن چیزی که اسلام به بشریت هدیه می‌دهد» (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۲۰ شهریور ۱۳۹۲). هر حرکت و تلاشی که زمینه خوش‌بینی و گرایش دیگران به اسلام را فراهم سازد، موجب سرافرازی است: «امروز بحمدالله پرچم اسلام در دست ملت و نظام است. امیدواریم ... مایه آبروی اسلام در سطح عالم بشویم؛ و نه فقط ملت‌های مسلمان را امید ببخشیم، بلکه غیرمسلمانان را هم به اسلام مجذوب کنیم و آن‌ها را به سمت اسلام بکشانیم»، (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۲ اسفند ۱۳۷۰). در مقابل، رفتارهای نادرست نیز به همین میزان مایه شرمندگی است: «نباید کاری کنیم که آحاد جامعه اسلامی برتر، ... در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم، به‌عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی‌منطق معرفی شوند.» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویراحمد، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳). در همین بافت اندیشه‌ای و با نگاه به کارکرد اصل دعوت است که رفتارهایی مانند «قمه‌زن» نابهنجار و ناشایست قلمداد می‌شود: «من حقیقتاً هرچه فکر کردم، دیدم نمی‌توانم این مطلب -قمه‌زدن- را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم.» (همان) در چنین مسائلی نیت مؤمنان هنجارمندی و درستی آن عمل را توجیه نمی‌کند. پژوهاک این‌گونه رفتارها چون چهره اسلام را مخدوش می‌سازد و مسیر گرایش به اسلام را آشفته و کدر جلوه می‌دهد، متعلق حرمت قرار می‌گیرد؛ بنابراین اصل دعوت چارچوبی است که رفتارها و تعاملات بهنجار و نابهنجار ما به‌عنوان مسلمان در شرایط زمانی و مکانی گوناگون را مشخص می‌سازد. «بارها به خود و دوستانم گفته‌ام مبادا ما آن مؤذن بدصدا باشیم که عشق به اسلام را در دل‌ها فروبشانیم و استفهام عظیمی را که در دنیا برای شناخت اسلام به‌وجود آمده است، با پاسخ منکر و زشتی پاسخ دهیم» (بیانات در مراسم بیعت طلاب و فضایی حوزه علمیه مشهد، ۲۰ تیرماه ۱۳۶۸). در واقع هر چیزی که به نفع دشمنان اسلام باشد یا در مسیر دعوت و گرایش به اسلام خلل ایجاد کند، مذموم خواهد بود. از این منظر یکی از دلایل تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر وحدت میان مسلمانان، و «سم مهلک بودن» اختلاف و تفرقه (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۲۹ مرداد ۱۳۹۱)، نقش آن در نگاه دشمنان به اسلام است: «شعار وحدت مسلمین را یک مسئله استراتژیک می‌دانم - یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما

ایجاب می‌کند که با مسلمین غیرشیعه ارتباطات داشته باشیم - مسلمانان، به تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کم کنند و از بین ببرند؛ زیرا در خدمت دشمنان است.» (بیانات در ۲۶ فروردین ۱۳۶۹).

۲. اصل عدالت

رویکرد اسلام به ارتباطات میان فرهنگی بر پایه اصل دعوت قرار دارد که اصلی فراگیر است. از این رو ارتباطات میان فرهنگی در اسلام نیز در بستر ارتباطات هنجاری و توصیه‌ای جای می‌گیرد و هدف نهایی از ارتباط با غیرمسلمانان می‌تواند دعوت آنان به اسلام باشد، ولی ارتباط و چگونگی دعوت را اصول دیگر بیان می‌کنند. اصل عدالت، ناظر به شیوه تعاملات است. شیوه تعاملات نیز به هر شکلی که برقرار گردد، باید براساس اصل عدالت قرار گیرد. همه ارتباطات مسلمانان در همه ساحت‌های ارتباطی باید عادلانه باشد و در این میان تفاوتی میان ارتباط با مسلمان و غیرمسلمان نیست. این اصل فرازمانی و فرامکانی است. نظام اندیشگی آیت‌الله خامنه‌ای مملو از توصیه‌هایی است که تعامل عادلانه با همه مخاطبان را به پیروان اسلام گوشزد می‌کند: «ما از اسلام آموخته‌ایم که باید با پیروان ادیان دیگر با انصاف و عدالت برخورد کرد. این حکم اسلام به ما است» (بیانات در دیدار نمایندگان اقلیت‌های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی، ۶ بهمن ۱۳۹۹). برخورد عادلانه با انسان‌های دیگر کف انتظارات است و هیچ معیاری جز انسان بودن آن را محدود نمی‌کند؛ انتظاری که به حق حیات و همزیستی انسان‌ها با همدیگر مربوط می‌شود. از همین رو آیت‌الله خامنه‌ای به دولت‌های مدعی آزادی و عدالت انتقاد می‌کند که این مهم را در مورد مسلمانان رعایت نمی‌کنند: «قدرت‌ها و دولت‌های مدعی انصاف و عدالت، هیچ انصاف و عدالتی را جز در دایره سیاست‌های تنگ و محدود و ظالمانه خودشان ملاحظه و مراعات نمی‌کنند. بحث این نیست که چرا مسلمان‌ها آزادی لازم را در بسیاری از این کشورها ندارند؛ بحث بر سر این است که چرا امنیت جانی ندارند!» (همان). نه فقط عدالت در مورد مسلمانان رعایت نمی‌شود، بلکه برخورد تبعیض‌آمیز با آن‌ها از طریق رسانه‌های جمعی نیز توصیه و تشدید می‌شود؛ برای مثال، همین فیلم «تک‌تیرانداز» که حالا سروصدایش بلند شده و هالیوود آن را درست کرده است، تشویق می‌کند. فرض کنید یک جوان مسیحی تا آنجا که

می‌تواند و از دستش برمی‌آید مسلمان را اذیت بکند. این روش موردپسند اسلام نیست؛ اسلام به انصاف معتقد است» (بیانات در دیدار نمایندگان اقلیت‌های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی، ۶ بهمن ۱۳۹۳). شیعیان برای ارتباطات میان‌فرهنگی و شیوه تعامل با دیگران اسوه و الگو دارند. علی علیه‌السلام نمونه کامل انسان عادل است. «ایشان در آن قضیه حمله به شهر انبار می‌فرماید: من شنیده‌ام این افرادی که به این شهر حمله کردند، وارد خانه زن مسلمان و زن غیرمسلمان - معاهده (یعنی یهود و نصاری) که پیمان دارند و در زیر سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند) می‌شوند و «يَأْخُذُ حِجْلَهَا» و آن‌ها را اذیت و آزار می‌کنند، ظلم می‌کنند (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷). بعد حضرت می‌فرماید: اگر مسلمان از این غم بمیرد، مورد ملامت نیست؛ نظر اسلام این است» (بیانات در دیدار با نمایندگان اقلیت‌های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی، ۶ بهمن ۱۳۹۳). مسلمانان نه فقط حضرت علی علیه‌السلام را اسوه و الگو در ارتباطات میان‌فرهنگی می‌دانند، بلکه حضرت مسیح را نیز منادی عدل و عدالت می‌دانند. «عیسی بن مریم علیه‌السلام منادی رحمت و برکت و هدایت الهی برای انسان‌ها بود. او در تاریکی شرک و ظلم و دنیای آلوده به گناه و گمراهی، نور هدایتی بود که همه انسان‌ها را به سمت خدا هدایت کرد و زلال رحمتی بود که جان‌ها و دل‌ها را شست و شو می‌داد. او پرچم‌دار عدالتی آسمانی بود که ستم‌دیدگان زمین را به رهایی از اسارت قدرت‌های ستمگر و قلدان متجاوز فرامی‌خواند (خامنه‌ای، پیام به مناسبت سال جدید میلادی، ۱۰ آذر ۱۳۶۶). عیسی مسیح (علیه‌السلام) مجهز به معجزه و دعوت الهی برای نجات بشر از ظلمات شرک و کفر و جهل و ظلم و رسانیدن وی به نور معرفت و عدل و عبودیت پروردگار مبعوث گشت و در همه مدت اقامت خود در میان انسان‌ها لحظه‌ای در مبارزه با بدی و دعوت به نیکی درنگ نفرمود. این درسی است که مسیحیان و مسلمانان که معتقدان به نبوت آن بزرگوارند، باید فراگیرند. (همو، پیام به مناسبت سالروز میلاد حضرت مسیح (ع)، ۱۲ دی‌ماه ۱۳۷۲).

۳. اصل حفظ استقلال و عزتمندی

تنظیم روابط اجتماعی مسلمانان با اقلیت‌ها نباید به‌گونه‌ای باشد که سبب وابستگی و سرسپردگی مسلمانان گردد؛ به‌طوری‌که استقلال جامعه اسلامی را به خطر اندازد (هود: ۱۳؛ بقره:

۱۰۷؛ نساء: ۱۴۱). طبق آیه شریفه ۵۴ سوره مائده، فروتنی در برابر مؤمنان و سرسختی در برابر کافران یک اصل مسلم است. در سطح میان‌فردی فتاوی‌ای از آیت‌الله خامنه‌ای نقل شده است که مسلمانان را از ارتباطی منع کرده‌اند که استقلال و عزت آن‌ها را زیر سؤال ببرد؛ برای مثال، درباره اینکه آیا مسلمان می‌تواند برای کافر کار کند و زیردست او باشد و از او مزد بگیرد، بر این عقیده هستند که: «زیردست به این معنا که تحت سلطه غیرمسلمان باشد جایز نیست، اما حالا اگر کارگر مسلمانی است که کارفرمایش کافر است و به او می‌گوید چنین کاری را انجام بده و او هم انجام می‌دهد و ذلتی را هم نمی‌پذیرد، بلکه برای او کار می‌کند و مزدش را می‌گیرد؛ کارش هم اگر خلاف شرع نباشد و منافاتی هم با آن عزت و کرامت مسلمانی نداشته باشد، این نوع کار کردن اشکالی ندارد و مزدش هم حلال است.» (فلاح‌زاده، ۱۳۹۳).

در سطح روابط بین‌الملل نیز به اصل استقلال اشاره و روابط با کشورها را براساس این اصل تنظیم می‌کنند: «اینکه ما در قضایای منطقه، در قضیه سوریه، در قضایای شبیه سوریه حاضر نشدیم در ائتلاف به اصطلاح آمریکایی وارد بشویم - با اینکه بارها گفتند، تکرار کردند، خواستند - علت این است. آن‌ها نقشه‌ای دارند. هدف‌هایی را ترسیم کرده‌اند و مایل‌اند به آن هدف‌ها برسند و البته مایل‌اند که از قدرت و نیرو و نفوذ هر کشوری از جمله جمهوری اسلامی استفاده کنند. اگر جمهوری اسلامی اینجا خام بشود، وارد بازی آن‌ها بشود، معنایش این است که جدول کاری آن‌ها را پر و نقشه آن‌ها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است و به ظاهر چیزی نیست که دولتی یا کسی بیاید بر کشور حکومت بکند که بگوییم استقلال کشور از بین رفت، اما ضد استقلال سیاسی است» (بیانات در مراسم بیست‌و‌هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد ۱۳۹۵).

بدین ترتیب می‌توان گفت هر حرکتی که موجب خدشه‌دار شدن «عزت ملی» در انظار عمومی و بین‌المللی شود، قبیح و موردنکوهش است. عزتی که بی‌تردید برخاسته از اسلام، انقلاب و حضور دائمی مردم در صحنه‌ها است. پس خط قرمز مسئولان در مراودات و ملاقات با مسئولان سایر کشورهای جهان نیز باید حفظ همین «عزت ملی» باشد، چه آنکه «همه ملت ایران، همه دلسوزان، در این جهت متفق‌اند که عزت ملی برای یک کشور بسیار مهم است. اگر عزت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود، ولی اگر یک

ملت تحقیر شود، همه چیز او حتی ثروت و امنیتش به بازی گرفته خواهد شد. عزت ملی باید محفوظ بماند و مسئولان این را می‌دانند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۹۴). این نوع ارتباط با غیرمسلمانان، منبعث از آموزه گران‌بهای «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» است که البته به معنای تعصبات مذهبی و نژادی نیست (باهر، ۱۳۸۳)، بلکه حفظ عزت و شوکت اسلام در ساحت‌های گوناگون و شرایط مختلف اجتماعی است (منافقون: ۸؛ آل‌عمران: ۱۱). این گونه تعامل، شعاعی از صورت‌بندی نظام اجتماعی بر مدار توحید است. امتداد نگاه توحیدی همه ساحت‌های ارتباطی را فرا می‌گیرد و حضور خدا در عرصه حیات اجتماعی به همه ارتباطات مؤمنان به دین اسلام معنا می‌بخشد. به تعبیر حمید مولانا: «اگر ما تئوری توحید را مبنای ارتباطات میان‌فرهنگی و ارتباطات خانواده‌ها بگذاریم، می‌توانیم یک انقلاب به وجود بیاوریم» (مولانا، ۱۳۸۶).

تمسک به مشترکات یک اصل اساسی و ظرفیت فراگیر برای ارتباطات میان‌فرهنگی است. مشترکات در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به سه سطح یا قلمرو ترسیم می‌شود: سطح جهان اسلام، سطح مؤمنان به ادیان توحیدی و سطح تعاملات انسانی.

اصل تمسک به مشترکات

حفظ وحدت و انسجام جهان اسلام به‌عنوان اولین قلمرو ارتباطات میان‌فرهنگی از دغدغه‌های اصلی آیت‌الله خامنه‌ای است که از نظریه «امت اسلامی» و «نگاه تمدنی» ایشان تأثیر می‌پذیرد. ارتباط مسلمانان با یکدیگر دارای بیشترین مشترکات قابل تمسک است که از مهم‌تری و برجسته‌ترین آن‌ها می‌توان به خدای واحد، قبله واحد، پیامبر واحد و کتاب واحد اشاره کرد: «مشترکات ما کعبه است. مشترکات ما وجود مقدس پیغمبر است. مشترکات ما محبت به اهل بیت و خیلی از مشترکات دیگر است. واجباتمان همه از مشترکات است. اینکه بنده در نماز قنوت بخوانم، شما نخوانی، این چیزی نیست که اختلاف ایجاد کند. اصل قضیه این است که به خدای واحد معتقد و به نبوت معتقد باشیم» (بیانات در دیدار وزیر اوقاف و جمعی از علمای سوریه)؛ یعنی «اصول اصلی اسلام که اگر کسی آن‌ها را نداشت، مسلمان نیست، مشترک‌اند» (بیانات در ۱۱ مهر ۱۳۶۸). تمسک به هرکدام از این‌ها می‌تواند مبنای مفاهمه میان فرق مختلف مسلمانان قرار گیرد. اعتقاد به دین واحد رابطه مسلمانان را به رابطه برادرانه تبدیل کرده است.

«قرآن بعد از آنکه بحث «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (حجرات: ۹) را مطرح می‌کند، می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰): مؤمنان به خدا، مؤمنان به دین و مؤمنان به راه انبیا با هم برادرند. دو برادر ممکن است با هم دعوا کنند، اما تکلیف ما چیست؟ «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»؛ بین دو برادران اصلاح ایجاد کنید» (همان).

الف) پیامبر اسلام

آیت‌الله خامنه‌ای در بیان اهمیت وحدت در میان امت اسلامی به وصیت‌نامه حضرت علی علیه‌السلام اشاره می‌کند که حضرت در آن به پیامبر اسلام به‌عنوان محور مشترک مسلمین تمسک می‌جوید و توصیه آن حضرت به «اصلاح ذات بین» را به اتفاق کلمه در میان امت اسلامی تفسیر می‌کند (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱). آن حضرت به سخنان پیامبر اکرم (ص) تمسک می‌جوید؛ زیرا «وجود مقدس نبی مکرم و رسول اعظم اسلام، مهم‌ترین نقطه ایجاد وحدت است. قبلاً هم این را عرض کردیم که دنیای اسلامی می‌تواند در این نقطه به هم پیوند بخورد؛ اینجا جایی است که عواطف همه مسلمانان در آنجا متمرکز می‌شود؛ این نقطه، کانون عشق و محبت و دنیای اسلام است. سیاست‌مداران، نخبگان علمی و فرهنگی، نویسندگان، شعرا و هنرمندان ما روی این نقطه تکیه کنند و همه مسلمانان با این شعار به هم نزدیک شوند. موارد مورداختلاف را در نظر نگیرند. یکدیگر را متهم نکنند. یکدیگر را تکفیر نکنند و یکدیگر را از حوزه دین خارج نکنند. دل‌ها در سراسر امت اسلامی به یاد پیامبر و به عشق پیغمبر طراوت پیدا می‌کند. همه ما دلباخته و عاشق آن بزرگواریم» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳ اسفند ۱۳۷۲).

آیت‌الله خامنه‌ای با الهام از همین سخنان مبارک امام علی علیه‌السلام خطاب به علمای جهان اسلام می‌گوید: «اگر دیدید جایی، در بین امت اسلامی، اختلاف و شکافی وجود دارد، بروید آن شکاف را پر کنید. این، از نماز و روزه، فضیلتش بیشتر است (بیانات به مناسبت میلاد پیامبر و هفته وحدت، ۱۷ فروردین ۱۳۷۶). حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به‌وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آنچه تصور می‌کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ

وحدت واجب خواهد بود» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۲). اگر چنین باشد، «امروز هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره‌ای و زبانی که ملت‌های مسلمان، مذاهب اسلامی و طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیت‌ها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است» (بیانات، در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۸).

در تاریخ بارها شاهد همزیستی فرق مختلف اسلامی بوده‌ایم. طبیعی است که وقتی قرآن کریم مسلمانان را به همزیستی با مسیحیان فرامی‌خواند، همزیستی میان مذاهب اسلامی را مسلم فرض کرده است؛ بنابراین اصرار بر اختلافات در جهان اسلام مایه تعجب آیت‌الله خامنه‌ای شده است و تلاش در این زمینه را خیانت قلمداد می‌کند: «سال‌های متمادی است -از زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی (رضوان‌الله تعالی علیه) و بعضی از بزرگان علمای اهل سنت در مصر- که این فکر پیدا شده است که بیابید اختلافات را کنار بگذارید؛ سنی، سنی بماند؛ شیعه، شیعه بماند؛ عقاید خودتان را داشته باشید، اما با هم، دست در دست هم بگذارید. قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان می‌گوید: «تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئا». آن وقت فرقه‌های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمتات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این خیانت نیست؟» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۷ مرداد ۱۳۸۵)

حج

یکی از ظرفیت‌های همیشگی و زنده به‌عنوان عامل مشترک برای مسلمانان در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، «حج» است. درباره حج ابراهیمی که مهم‌ترین بستر ارتباطات میان فرهنگی میان مسلمانان از سراسر جهان است، روایت جالبی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است. هشام بن حکم می‌گوید:

«از امام صادق علیه‌السلام درباره فلسفه حج پرسیدم و ایشان فرمودند: ... پس اجتماع در حج از مشرق و مغرب را برای آنان قرار داد تا یکدیگر را بشناسند و هر گروهی از تجارت سرزمینی به سرزمین دیگر سود کند و با آن کاروان‌دار و شتردار کسب منفعت کند و برای

اینکه آثار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و تعالیم و احادیث شناخته شود و روایاتش دانسته و یاد شود و فراموش نشود و اگر هر قومی (گروهی) فقط به سرزمین‌های خودشان و آنچه در آن است، اکتفا می‌کردند، نابود می‌شدند و سرزمین‌ها رو به ویرانی می‌نهاد و تجارت و بازرگانی به تباهی می‌گرایید. اخبار از بین می‌رفت و گزارش‌ها به دست مردم نمی‌رسید» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۹).

در تعبیر حضرت علی علیه‌السلام کعبه نماد اسلام است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱). هویت برخاسته از آیین حج تمایزات فردی و فردگرایی را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و جمع‌گرایی را به یک شاخص تبدیل می‌کند (بقره: ۱۹۹). دیدارهای چهره‌به‌چهره و میان‌فردی در فضایی آکنده از معنویت و فارغ از تبلیغات تفرقه‌افکنانه رسانه‌های جمعی فرصت بی‌نظیری در اختیار حج‌گزاران قرار می‌دهد تا در یک ارتباط میان‌فرهنگی خالص، شناخت بیشتر و بهتری از مشترکاتشان داشته باشند. برنامه‌های مسموم رسانه‌های جمعی با معکوس نشان‌دادن واقعیت‌های در جریان، نگاه‌های مخاطبان را آلوده و آن‌ها را نسبت به همدیگر بدبین می‌کنند. به تعبیر مک‌کین: «این رسانه‌ها با تزریق الگوهای متعدد و متضاد، ملت‌ها و به‌ویژه نسل جوان و نوجوان را با بحران هویت فردی و اجتماعی مواجه می‌کنند (مک‌کوایل، ۱۳۸۰). موسم حج فرصت خوبی برای پالایش نگاه‌های آلوده در قبال همدیگر است. عمده مبلغان وحدت در دنیای اسلام را کسانی تشکیل می‌دهند که فرصت‌های ارتباط میان‌فردی فراوانی با هم‌کیشان خود داشته‌اند. به همین دلیل امروزه بیشتر کسانی که در کنفرانس‌های برگزار شده در اقصی نقاط جهان اسلام مشارکت می‌کنند، افرادی هستند که قبلاً فرصت ارتباط چهره‌به‌چهره با دعوت‌کنندگان داشته‌اند. امام صادق علیه‌السلام یکی از فواید حج را همین رایزنی و تبادل فرهنگی دانسته و می‌فرماید: «اگر هر قوم و ملتی فقط از کشور و بلاد خویش سخن بگویند و فقط به مسائل که در آن است بیندیشند، همگی نابود می‌گردند و کشورشان ویران می‌شود. منافع آن‌ها ساقط می‌شود و اخبار واقعی در پشت پرده قرا می‌گیرد» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۳۰۹). موسم حج، بستر انتقال تجربیات گران‌بهای مسلمانان به یکدیگر و شناسایی نقاط قوت و ضعف همدیگر است. در پیام امام خمینی (ره) به حجاج آمده است: «حجاج محترم جهان را دور هم گرد آورده و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام

تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند و راه‌های اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید» (خمینی (ره)، ۱۳۸۶: ۶۶). ایشان همچنین فرمودند: «حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و درصدد رفع مشکلات برآیند.» (پیام به کنگره عظیم حج، ۲۶ خرداد ۱۳۷۰) استفاده از فرصت ارتباط میان فرهنگی حج با شناسایی و ارتباط‌گیری با افراد متنفذ و برجسته کشورهای اسلامی که در نظریه‌های ارتباطی با عنوان رهبران افکار از آن‌ها یاد می‌شود، فواید حج را دوچندان خواهد ساخت. رویکرد ارتباطی پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام در موسم حج مبنی بر ارتباط‌گیری با سران قبایل، از اهمیت بسیار این شیوه پرده برمی‌دارد. هنجارهای فرهنگی موجود در میان مسلمانان درباره حج و حاجیان نیز در تکمیل کارکردهای ارتباطی حج و گسترش آن نقش چشمگیری دارند. دیدار از حاجیان و پیگیری اخبار حج در نشست‌وبرخاست‌های سنتی در حقیقت تحقق جریان دومرحله‌ای ارتباط است که در مرحله اول از رسانه‌ای مانند حج بر حج‌گزاران و در مرحله بعد بر مسلمانان در سراسر جهان منتقل می‌شود.

در بیان آیت‌الله خامنه‌ای حج نماد و مظهر همزیستی میان مسلمانان است: «حج مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همه مسلمانان و هرکه از ایشان را که بتواند به نقطه‌ای خاص و در زمانی خاص فرامی‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شب‌هایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان‌دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر فقط در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها احساس نمی‌کند. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز - یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی - این فاصله وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و آفریقایی و آسیایی، به‌جای آنکه رقیب و معارض هویت واحده اسلامی آن‌ها باشد، بخشی از آن و بیانگر سعه وجودی آن می‌شود و به‌جای آنکه هر قومیتی، وسیله و بهانه نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال

خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌شود» (بیانات در دیدار دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب، ۲۴ آذر ۱۳۹۵).

ب) مسئله فلسطین

یکی از ظرفیت‌های مهم جهان اسلام به‌عنوان عامل مشترک و قابل‌تمسک، توجه به مسئله فلسطین است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز مانند امام خمینی فلسطین را مسئله اول جهان اسلام قلمداد کرده‌اند. فهم این نکته بسیار مهم است که چرا حضرت امام (ره) فلسطین را در کانون توجه جهانیان قرار دادند. چرا آیت‌الله خامنه‌ای در عمده سخنرانی‌های خود این نکته را متذکر می‌شوند که مواظب باشید مسئله فلسطین فراموش نشود؛ نه فقط فراموش نشود، حتی از مسئله اصلی جهان اسلام به یک مسئله فرعی تبدیل نشود: «یکی از مهم‌ترین مسائل منطقه، مقابله همگانی با گروه‌های تکفیری نظیر داعش، جبهه‌النصره و دیگر گروه‌ها است؛ چرا که در غیر این صورت، به‌علت بحران‌آفرینی مستمر تکفیری‌ها، مسئله فلسطین در حاشیه خواهد ماند (بیانات در دیدار مسئولان و شخصیت‌های علمی سیاسی، ۱۷ فروردین ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد مسئله فلسطین علاوه بر اینکه ظرفیتی عظیم برای همگرایی میان مسلمانان است، مسئله هویتی جهان اسلام نیز به‌شمار می‌رود: «مسئله اصلی، مسئله قبله اول مسلمین، مسجدالاقصی است. این‌ها مسائل اصلی است» (بیانات در دیدار جمعی از مردم و مسئولان نظام، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۸). تعرض به فلسطین و اشغال آن تعرض به جهان اسلام است.

ج) کشتی نجات

ارتباط میان مسلمانان در گستره محدودتر، در میان شیعیان متصور است. دغدغه همیشگی وحدت جهان اسلام در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و ذهن تحلیل‌گر و دوراندیش ایشان همواره در جست‌وجوی راه‌های مشترک بوده است که بتواند مسلمانان سراسر جهان را در گنجره‌هایی گرد هم آورد و امکان تفاهم میان آن‌ها را افزایش دهد. یکی از ظرفیت‌هایی که با تأمل در آموزه‌های دینی و سیره معصومین به آن توجه می‌دهد، زیارت اربعین امام حسین علیه‌السلام است. تمسک به ظرفیت کم‌نظیر «کشتی نجات» و پیشنهاد برپایی کنگره‌ای در مقیاس جهانی در روزگاری (۱۳۵۲) که فقط یک آرزو تلقی می‌شد، امروز به حقیقت پیوسته و نه تنها شیعیان و اهل سنت،

بلکه غیرمسلمانان را نیز در خود جای داده است. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ظرفیت بالای زیارت اربعین می‌گوید: «می‌دانید یکی از علائم ایمان زیارت اربعین است؟ بنده نمی‌دانم این روایت چقدر صحیح است. اصراری هم ندارم که بگویم معنای این روایت همین است که من گمان کردم. شیعه یک جمع متفرقی بود. یک جامعه‌ای بود که در یک‌جا در یک مکان زندگی نمی‌کردند. در مدینه بودند، در کوفه بودند، در بصره بودند، در اهواز بودند، در قم بودند، در خراسان بودند، اطراف و اکناف بلاد. اما یک روح در این کالبد متفرق و در این اجزای متشتت در جریان بود که مثل دانه‌های تسبیح یک رشته و یک نخ همه این‌ها را به هم وصل می‌کرد. چه بود آن رشته؟ رشته اطاعت و فرمانبری از مرکزیت تشیع، از رهبری عالی تشیع یعنی امام. همه این رشته‌ها به آنجا متصل می‌شد. قلبی بود که به همه اعضا فرمان می‌داد و به این ترتیب تشیع یک سازمان و یک تشکیلاتی بود. ممکن بود دو نفر از حال هم خبر نداشته باشند، اما بودند کسانی که از حال همه باخبر بودند. اطاعت و فرمانبری آن‌ها به حساب بود، فریادزدنشان از روی دستور بود، سکوتشان بر طبق نقشه بود. همه چیزشان با حساب بود. فقط یک عیبی کار آن‌ها داشت و آن اینکه همدیگر را کمتر می‌دیدند. اهل یک شهر، شیعیان یک منطقه البته یکدیگر را می‌دیدند. اما یک کنگره جهانی لازم بود برای شیعیان روزگار ائمه (علیهم السلام). این کنگره جهانی را معین کردند. وقتش را هم معین کردند. گفتند در این موعد معین در آن کنگره هرکس بتواند شرکت کند. آن موعد روز اربعین است و جای شرکت، سرزمین کربلا است. چون روح شیعه روح کربلایی است، روح عاشورایی است. در کالبد شیعه تپش روز عاشورا مشهود است. شیعه هر جا که هست، دنباله‌روی عاشورای حسین است. این هم که می‌بینی همه جا این تپش‌هایی که در شیعه مشهود شده، از آن مرقد پاک ناشی شده... اگر امروز هم بتوانند شیعیان آن سرزمین پاک و مقدس را یک چنین میعاد میعاد قرار بدهند. البته بسیار کار بجا و جالبی خواهد بود و همین دنباله‌گیری از راهی است که از ائمه هدی (ع) به ما ارائه دادند» (بیانات در مسجد امام حسن مجتبی (ع)، مشهد، ۲۴ اسفند ۱۳۵۲).

ادیان توحیدی

سطح دیگر ارتباطات میان‌فرهنگی، بر محور ادیان توحیدی صورت می‌گیرد؛ یعنی مهم‌ترین عامل قابل تمسک برای همه افرادی که در این قلمرو سکنی گزیده‌اند، باور به خدای واحد است.

جایگاه و ارزشی که همه ادیان توحیدی به حضرت ابراهیم علیه‌السلام قائل هستند نیز بسیار حائز اهمیت و شایان توجه است. قرآن کریم ضمن اینکه حضرت ابراهیم را اسوه موحدان عالم معرفی می‌کند (عباسی‌مقدم، ۱۳۸۶: ۱۴۲)، از طریق تکرار اسم او (۶۹ بار) پیروان ادیان توحیدی را به این مهم توجه می‌داد که می‌توان مشترکات را به‌عنوان نقطه عزیمت تعاملات ارتباطات میان‌فرهنگی قرار داد و از این ظرفیت در جهت حل بسیاری از اختلافات به‌ظاهر مهم استفاده کرد. اگر حضرت آدم لقب «ابوالبشر» دارد، حضرت ابراهیم «پدر معنوی» همه ادیان توحیدی است. وحدت بر محور آموزه‌های این پدر معنوی الگوی تعامل میان معتقدان به ادیان توحیدی را ترسیم می‌کند. حضرت ابراهیم اسوه مبارزه با شرک است. آیه ۴ سوره ممتحنه ابراهیم بت‌شکن را به‌عنوان یک الگو و اسوه در دفاع از مسئله توحید و مبارزه قاطع و کوبنده با شرک معرفی کرده و گواه روشنی بر سازش‌ناپذیری پیروان مکتب توحید با آلودگان به شرک و بت‌پرستی است. اسوه‌بودن حضرت ابراهیم و یارانش به این معنا است که هیچ‌گونه سازشی میان توحید و شرک وجود ندارد؛ اگرچه مؤمنان در اقلیت باشند؛ زیرا پیروان ابراهیم در مقایسه با قوم نمرود در اقلیت بودند، ولی با آن‌ها مماشات نکردند. نمرود مصداق تام و تمام استکبار آن دوران بود. حضرت ابراهیم تن به خواسته‌های استکبار زمان نداد و این درس بزرگی برای پیروان ادیان توحیدی به‌خصوص مسلمانان است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۴۶-۱۴۸). «با دقت در مضمون آیات حکایت‌کننده احتجاج ابراهیم با نمرود، مجادله او با خورشیدپرستان، گفت‌وگو با پدر و راز و نیاز با خدا و دیگر آیات، روشن می‌گردد که خدامحوری و توحید، محور تمام تلاش‌های تبلیغی و بلکه محور حیات پربرکت اوست.» حضرت ابراهیم نه اهل انزوا و عزلت‌گزینی، بلکه اهل گفت‌وگو بود و با همه مخاطبان در هر سطح و هر عقیده‌ای به گفت‌وگو و مناظره می‌پرداخت (عباسی‌مقدم، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

نماز در پشت مقام ابراهیم (در مسجدالحرام) علاوه بر یادآوری نقش حضرت ابراهیم و اسماعیل در حج، قلمروی یکرنگی را به ادیان توحیدی دیگر نیز می‌گستراند و از این منظر نماد وحدت همه مؤمنان عالم به‌شمار می‌رود. اگر حضرت ابراهیم در قرآن کریم اسوه تمام‌نمای عالمیان معرفی شده است، در اینجا نیز نقش هویتی برای مسلمانان و به‌ویژه برای مؤمنان به ادیان توحیدی به‌طور عموم ایفا می‌کند.

امروز مشترکات مسلمانان با پیروان ادیان توحیدی نه فقط در باور به جایگاه محوری حضرت ابراهیم به عنوان یک الگو، بلکه در احترام فوق‌العاده دین اسلام به حضرت موسی و حضرت عیسی نیز منعکس شده است. «نام حضرت موسی در قرآن، ۱۴۳ مرتبه آمده و فرازهای برجسته زندگی و دعوت او در ۳۴ سوره قرآن و در قالب حدود ۴۲۰ آیه بیان شده است. این مطلب نشان می‌دهد قرآن به عنوان کتاب کامل دعوت و انسان‌سازی و جامعه‌سازی، به زندگی حضرت موسی توجه زیادی داشته است (همان: ۱۷۳). همچنان که نام حضرت عیسی ۲۵ بار با عنوان «عیسی» و ۱۱ بار به صورت «مسیح» در قرآن کریم آمده است» (همان: ۱۹۸). ویژگی مشترک هر سه پیامبر دعوت به توحید و خداپرستی است که کامل‌ترین شکل آن در پیامبر بزرگ اسلام تجلی و عملی شده است؛ یعنی همه ویژگی‌های پیامبران گذشته در پیامبر اسلام جمع شده است. از این رو پیامبر اسلام خاتم پیامبران و دین او کامل‌ترین و جامع‌ترین است. هم ادیان گذشته بر پیامبر اسلام بشارت داده‌اند و هم دین اسلام ادیان گذشته را تصدیق کرده است. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره حضرت مسیح نشان می‌دهد الگوی آیت‌الله خامنه‌ای در تعامل با دنیای مسیحیت برگرفته از قرآن کریم است و تمسک به مشترکات هم یک اصل و هم یک ظرفیت برای ارتباطات میان‌فرهنگی در اسلام تلقی می‌شود: «ارزش حضرت مسیح علیه‌السلام از نظر مسلمانان، بلاشک کمتر از ارزش و قدر و قیمت آن حضرت در چشم مسیحیان مؤمن به مسیحیت نیست (بیانات در خطبه نماز عید فطر، ۷ دی ۱۳۷۹). آن پیامبر برگزیده خدا، مردم را به راه خدا که راه خوشبختی انسان است دعوت می‌کرد. لازمه پیروی از حضرت عیسی علیه‌السلام، طرفداری از حق و بیزارى از قدرت‌های ضد حق است. امید است که مسیحیان و مسلمانان در هر نقطه جهان، این درس بزرگ حضرت مسیح علیه‌السلام را در زندگی و عمل خود زنده بدارند.» (پیام به مناسبت سالروز میلاد حضرت مسیح (ع)، ۱۲ دی ۱۳۷۲).

انسانیت

قلمرو انسانیت وسیع‌ترین و فراگیرترین قلمروی ارتباطات میان‌فرهنگی از نظر اسلام است. تمسک به اصل انسان‌بودن و ادبیات معطوف به «همنوعی» اگرچه در نظام اندیشگی آیت‌الله خامنه‌ای و موضع‌گیری‌های سیاسی وی در قبال تحولات جهان معاصر تبلور دارد، اما در نامه

دوم ایشان به جوانان غربی به شکل بارزتری برجسته شده است: «رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به‌خودی‌خود برای هموعان اندوه‌بار است. منظره کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان می‌دهد، مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدل می‌شود، شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سوی می‌برد، و یا تماشاگری که نمی‌داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنینگیزد. هرکس که از محبت و انسانیت بهره‌ای برده باشد، از دیدن این صحنه‌ها متأثر و متألم می‌شود؛ چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه.» (نامه دوم رهبر معظم انقلاب به عموم جوانان غربی، ۸ آذر ۱۳۹۴). به نظر آیت‌الله خامنه‌ای چیزی که سبب می‌شود حتی عواطف و ارزش‌های انسانی و اخلاقی نادیده انگاشته شود، منافع دولت‌ها است: «و تا روزی که منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جست‌وجو کرد» (همان). این‌گونه ادبیات مربوط به نامه‌های کنونی آیت‌الله خامنه‌ای نیست. ادبیات تمسک به اصل انسان‌بودن در نامه به جوان مسیحی در سال ۱۳۵۹، که اولین نامه ایشان به یک جوان غربی است، نیز وجود دارد: «برادر مسیحی عزیزم، کاش این احساسات پاک می‌توانست به سود ملت ستمدیده ما - که اگر هم‌کیش شما نیست، هم‌نوع شما است - به‌کار بیفتد. ما با ملت انگلیس و آمریکا هیچ کینه‌ای نداریم. ما هر انسانی را در هر جای جهان و با هر عقیده‌ای محترم می‌شماریم» (دستخط نامه رهبر انقلاب به جوان غربی، مندرج در وبگاه فارس نیوز، ۵ دی ۱۳۹۴). استفاده از عنوان «برادر» در مطلع نامه و تصریح به «هم‌نوع» بودن در متن نامه تداعی‌کننده نامه امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر است که فرمود: «مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر مانند تو در آفرینش» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). گو اینکه هم‌نوع بودن دلیل کافی است بر اینکه انسان‌ها در هر نقطه‌ای از جهان به فکر همدیگر باشند و در قبال مصائب هیچ انسانی بی‌تفاوت نباشند. همین نگاه آیت‌الله خامنه‌ای سبب می‌شود که «مشاور بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه با اشاره به نامه مقام معظم رهبری به جوانان غرب از ایشان به‌عنوان رهبری فراتر از مرزهای جغرافیایی یاد کند و بگوید: رهبر ایران به دنیا به دیده یک خانواده انسانی می‌نگرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبری بشردوست هستند و در سطح انسانی می‌اندیشند» (خبرگزاری تسنیم، شخصیت‌های درباره نامه رهبر انقلاب به جوانان غربی

چه می‌گویند؟ ۱۱ آذر ۱۳۹۶) و شاید به همین دلیل امیرحسین ثمالی نامه آیت‌الله خامنه‌ای به عموم جوانان غربی را «دیپلماسی فطرت» نام نهاده است (ثمالی، ۱۳۹۳)؛ چرا که خطاب نامه فطرت انسانی است که در جوانان هنوز نخفته است.

نتیجه‌گیری

ارتباطات میان‌فرهنگی ویژگی اساسی عصر حاضر است که در اثر کمرنگ‌شدن مرزهای جغرافیایی شدت و گسترش بیشتری پیدا کرده و مسائل اساسی هنجارشناختی را با خود به‌همراه آورده است که نمی‌توان به‌سادگی آن را نادیده گرفت؛ بنابراین در این خصوص مراجعه به آرای دانشمندان و متفکران برجسته جهان اسلام به‌ویژه متفکران معاصر ضرورت دارد. آیت‌الله خامنه‌ای عالم و دانشمندی است که به‌دلیل هردو ویژگی (برجسته‌بودن و معاصربودن) حائز اهمیت و شایسته مراجعه است. پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش اساسی که اصول حاکم بر ارتباطات میان‌فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست، سامان یافت و با هدف پاسخ به مسئله تحقیق، آرا و اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی کرد و به نتایج دست یافت؛ از جمله اینکه: ۱. ارتباط میان‌فرهنگی در عصر حاضر گریزناپذیر است و نمی‌توان به‌دلیل مشکلات احتمالی، مسلمانان را از این‌گونه ارتباطات نهی کرد؛ ۲. تعاملات مسلمانان در همه ساحت‌های ارتباطی از جمله در ساحت ارتباطات میان‌فرهنگی از ارزش‌ها و هنجارهای دینی تأثیر می‌پذیرد؛ به‌گونه‌ای که انتظار می‌رود ارتباطات مسلمانان باز نمود هویت اسلامی آنان باشد؛ چرا که کنش مسلمان در همه ساحت‌های ارتباطی متأثر از باورها و ارزش‌های بنیادین آنان است؛ ۳. از طبقه‌بندی مجموعه اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه مربوطه مشخص شد دست‌کم چهار اصل (دعوت، عدالت، حفظ استقلال و عزتمندی و تمسک به مشترکات) در ساحت ارتباطات میان‌فرهنگی قابل‌اعتنا است؛ ۴. ارزیابی موفقیت و سلامت ارتباطات مسلمانان از طریق اصول حاکم بر کنش‌های اجتماعی آنان میسر است که به‌مثابه چارچوب‌های هدایت بخش عمل می‌کنند؛ ۵. اصل دعوت از نظر شمولیت و اهمیت، حاکم بر سایر اصول پنج‌گانه است و این نکته را گوشزد می‌کند که شایسته است. همه حرکات و سکنات مسلمان در ساحت‌های ارتباطات میان‌فرهنگی تداعی‌کننده اسلام باشد و طرف‌های ارتباطی را به دین اسلام

خوش‌بین کند. ۶. اصل تمسک به مشترکات از نظر زمینه‌سازی برای ارتباطات موفق، نسبت به سایر اصول تقدم رتبی دارد؛ به‌ویژه از این نظر که مهم‌ترین سازوکار نظریه‌های ارتباطات میان فرهنگی برای موفقیت‌آمیز بودن ارتباطات استفاده از مشترکات طرفین ارتباط است؛ ۷. وزن رعایت اصول، متناسب با مخاطب و در موقعیت‌های مختلف فرق می‌کند؛ این‌گونه نیست که همه اصول در همه موقعیت‌ها قابل عمل باشد؛ ممکن است در جایی تمسک به مشترکات و در جای دیگر حفظ عزت جامعه مسلمانان اولویت داشته باشد.

منابع

- ابن‌بابویه (صدوق)، محمدبن علی (۱۳۸۹). *علل الشرائع*. حسین قاسمی. چاپ اول. قم: وائک.
- اسمیت، آلفرد (۱۳۸۳). *ارتباطات و فرهنگ*. جلد ۳. ترجمه طاهره فیضی، مهدی بابایی و اکرم هادی‌زاده. تهران: سمت.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۳). *ارتباطات در جامعه اسلامی متکثر فرهنگی*. فصلنامه پژوهشی امام صادق (ع)، ۲۱، ۹۷-۹۹.
- ثمالی، امیرحسین (۱۳۹۳). *پرده جهل جوانان اروپا و آمریکا و دیپلماسی فطرت رهبری*. ویژه‌نامه دیپلماسی فطرت، اندیشه‌کده برهان، ۹-۱۷.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۶). *وسائل الشیعه*. قم: آل‌البتیة لإحياء التراث.
- حیدری، محسن (۱۳۹۷). *دیدگاه امام خمینی (ره) در تقیة مداراتی و تأثیر آن در همگرایی مسلمین*. میقات حج، ۱۰۶، ۸۹-۱۱۰.
- خامنه‌ای سیدعلی (۱۳۹۴). *نامه دوم به عموم جوانان غربی*. ۸ آذر.
- _____ (۱۳۷۰). *پیام به کنگره عظیم حج*. ۲۶ خرداد.
- _____ (۱۳۷۲). *پیام به مناسبت سنالروز میلاد حضرت مسیح (ع)*. ۱۲ دی.
- _____ (۱۳۹۴). *دستخط نامه رهبر انقلاب به جوان غربی، مندرج در وبگاه فارس نیوز*. ۵ دی.
- خبرگزاری تسنیم، شخصیت‌ها درباره نامه رهبر انقلاب به جوانان غربی چه می‌گویند؟ ۱۱ آذر ۱۳۹۶.
- خمینی الموسوی، سیدروح‌الله (۱۳۸۶). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره).

- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). *تنقیح فی شرح عروه الوثقی*. ج ۴. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۹). *دو جهانی‌شدن‌ها و ارتباطات بین‌تمدنی؛ تحلیل روشمند ارتباط بین فرهنگی در جهان*. تحقیقات فرهنگی ایران، ۳(۹)، ۱-۳۷.
- _____ (۱۳۹۵). *استثناگرایی آمریکایی، اروپامرکزی و دیگری‌سازی مسلمانان*. تهران: امیرکبیر.
- عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۸۶). *اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان*. قم: بوستان کتاب.
- فلاح‌زاده، پاسخ به سؤالات شرعی مخاطبان درباره احکام ارتباط بین صاحبان مذاهب و ادیان، مندرج در وبگاه رسمی آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۷ دی ۱۳۹۳.
- مک‌کوایل، دنیس (۱۳۸۰). *مخاطب‌شناسی*. ترجمه مهدی منتظران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات و رسانه‌ها.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام قرآن*. ج ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مولانا، حمید (۱۳۸۶). *ارتباطات بین‌الملل در جوامع اسلامی*. متن پیاده‌شده سخنرانی در دانشگاه امام صادق (ع). ۱۷ آذر.
- یوسف‌زاده، حسن (۱۳۹۷). *مسئله‌شناسی ارتباطات میان‌فرهنگی*. معرفت فرهنگی-اجتماعی، ۹(۴)، ۲۴-۵.
- Samovar, L. A., Richard, E. P., & Edwin R. M. (1998). *Intercultural Communication: A Reader* (13th Ed.). Cengage Learning.
- Utley, D. (2004). *Intercultural Resource Pack*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Toomey, T. S. (1999). *Communicating across Cultures*. New York: Guilford Press.
- http://s15.khamenei.ir/ndata/news/weekly/files/130/khattezbollah_94-pdf-file.pdf

